

# شماره کوتاه به آثار عرفان جمال قدس سر

## دکتر داریوش معانی

جناب دکتر داریوش معانی در سال ۱۹۳۴ م. در مشهد زاده شدند. در سال ۱۹۵۲ به کویت هجرت کردند و پس از ۵ سال به اروپا رفته. در اتریش به تحصیل پرداخت. در سال ۱۹۶۴ از دانشگاه "گراتس" در رشته معماری فارغ التحصیل شدند. سپس به آلمان غربی رفته و در سال ۱۹۶۹ از دانشگاه "آخن" در رشته شهرسازی و برنامه ریزی منطقه ای بدریافت دکترای مهندسی نائل شدند. جناب دکتر معانی در سال ۱۹۶۹ به ایران رفتند و سه سال در دانشگاههای تهران و ملی به تدریس پرداختند که بعزت دین پامر بهائی بخدمتش خاتمه داده شد.

سپس تا سال ۱۹۷۵ در ایران بعنوان مهندس مشاور معماری و شهرسازی بکار اشتغال داشتند و در آن سال به اتریش هجرت نمودند و تاکنون در آن اقلیم سکونت دارند. وی دارای همسر و دو فرزند است. سلسله مقالاتش در تشریح کلمات مکتوبه فارسی بنام "کنز اسرار" در "پیام بهائی" درج شده است.

## عرفان چیست؟

چون در این مقام صحبت از آثار عرفانی جمال اقدس ابهی در میان است ابتداء اشاره میشود که مقصد از عرفان چیست:

در دائرة المعارف مصاحب در شرح عرفان وارد آمده است که: "عرفان در اصطلاح حکما و صوفیه معرفت قلبی است که از طریق کشف و شهود نه بحث و استدلال حاصل میشود و آن را علم وجدانی هم می خوانند دانشی را که مبتنی بر عرفان است معرفت میخوانند. نزد حکما عرفان هم مثل علم درجات دارد و نهایت آن کمال علم است صوفیه علم رسمی را که حاصل بحث و استدلال عقلی و نقلی است مؤدی به کشف حقیقت نمی دانند و در بیان تفاوت بین علم و عرفان می گویند که علم فقط نشان حقیقت رامی دهد در صورتی که عرفان حقیقت را بمعانیه می بیند و درک میکند. متصوفه اخیر که تحت تأثیر مکتب محیی الدین ابن العربی تعالیم و آراء صوفیه را بصورت علم تدوین کرده اند این علم را که در واقع نوعی حکمت نظری است عرفان می خوانند و باین معنی است که گفته اند عرفان بی علم

محال است و علم بی عرفان و یال<sup>۱</sup> انتهی  
 حکیم عالیقدر و شهید فقید استاد علی مراد داودی اعلی الله مقامه عرفان  
 را مختص به شناختن مجردات یعنی موجودات غیر مادی قائم بذات خصوصاً  
 مبدء المبادی تعالی شأنه دانسته و در مقابل علم را شامل دانستن کل اشیاء اعم  
 از مادی و مجرد ذکر نموده است. در عین حال اشاره میفرماید که این قاعده کلی  
 نیست زیرا هر دو کلمه علم و عرفان در کثیری از موارد بمعنای یکدیگر استعمال  
 شده اند.

(رساله عرفان و تصرف در امر بهائی - مجامع تحقیق طهران ص ۱۸)

### مطالب وارده در آثار عرفانی جمال مبارک

حال چون عرفان را به معنی خاص خود از طریق شناختن مجردات  
 بخصوص معرفت حق جل جلاله و از طرف دیگر دست یافتن به حقائق اشیاء از  
 طریق کشف و شهود دانستیم، ملاحظه میگردد که عرفان از جمله عبارت از سیر و  
 حرکت برای وصول بحقیقت اولیه و معرفت ذات احدیه است و معرفت آن حقیقت  
 اولیه و ذات احدیه باعتقاد اهل بهاء جز از راه عرفان مظهر امر و مشرق وحی او  
 ممکن نیست. حال چون در سبیل معرفت مظاهر ظهور پا را از استدلالات عقلیه و  
 نقلیه فراتر نهاده این معرفت را از طریق مشاهده و مکاشفه و لقاء معنوی و حضور  
 روحانی آرزو نمائیم به عوالمی دیگر از عرفان و مدائینی دیگر از مراتب ایمان  
 و ایقان قدم نهاده ایم.

از آن گذشته میدانیم که معرفت الله و معرفت مظاهر ظهور او جز بمعرفت  
 نفس خود ممکن نباشد و میسر نگردد "فمن عرف نفسه فقد عرف ربه" در این  
 مقام پایه عرفان و میدان تأمل و تعمق فراوان گردد. از جمله بحث در حقیقت  
 انسان و معرفت روح و بقای آن و مراتب نفس و اطوار قلب همگی بخشی مهم از  
 این مقوله است.

چون بمطالب متنوعه فوق الذکر دقت نمائیم شاید وسعت دامنه آثار عرفانیه  
 جمالقدم و اسم اعظم تاحدی برایمان روشن و آشکار گردد. از طرف دیگر در آثار  
 جمالبارک گذشته از شرح و بسط مسائل عرفانیه فوق به مطالب دیگری میرسیم که  
 در شرح مراتب سیر و سلوک و اوصاف سالک نازل شده است.

حال چون این قسمت از آثار و الواح مبارکه را که در مراتب عرفان عملی  
 نازل گشته بدسته اول یعنی آثار مربوط به معرفت حق و مظاهر او که آنرا عرفان  
 نظری نام توان نهاد اضافه نمائیم ملاحظه گردد که آثار عرفانی جمالقدم و اسم  
 اعظم بخش مهم و عظیمی از آیات نازله آن محبوب عالم را در بر میگیرد.

### تنظیم و تقسیم آثار عرفانی جمالبارک از نظر مطالب و مسائل

آثار عرفانی حضرت بهاء الله شامل پنج دسته و یا پنج گروه از مسائل  
 اصلیه میباشد که این پنج گروه یا مربوط به معرفت حق و معرفت مظاهر ظهور او و  
 معرفت نفس میباشد و اینرا عرفان نظری نام توان نهاد و یا مربوط به شرایط

سیر و سلوک و مراتب تصفیة و تطهیرافنده و قلوب است و اینرا عرفان عملی میتوان نامید این تقسیم بندی و ترتیب تعلق هر دسته از مطالب به عرفان نظری یا عملی را بصورت زیر میتوان بیان نمود:

### مطالب وارده در آثار عرفانی حضرت بهاءالله

#### عرفان نظری

- ۱ - در مقامات و مراتب معرفت حق جل جلاله
  - ۲ - در معرفت مظاهر ظهور و عوالم لاهوت جبروت، ملکوت، ملک و ناسوت.
  - ۳ - در معرفت انسان به نفس خود و تشریح عوالم روح - نفس - قلب و بقاء و روابط آن .
- عرفان عملی
- ۴ - در سیر و سلوک از نفس به حق و در اوصاف و شرایط سالک و مراتب آن.
  - ۵ - اذکار و ادعیه - مناجاتها و اشعار جذیبه و شوقیه که جهت تزکیه نفس و عروج حقایق انسانی به عوالم عز رحمانیه نازل گشته است.

### تقسیم بندی رسالات و الواح و آثار عرفانی جمالبارک

رسالات و الواح و آثار عرفانی جمالبارک را میتوان بسه گروه از آثار و

رسائل تقسیم نمود.

گروه اول: رسائل و آثار و اشعار و الواحی که مطلب اصلی و اساسی آن در مسائل و موارد عرفان نظری و یا عرفان عملی باشد از ایندسته آثار مبارک رسائل و متون ذیل در این مقاله معرفی میشود:

۱ - قصیده رشح عما ۲ - قصیده عز ورقانیه ۳ - قصیده ساقی

۴ - رساله هفت وادی ۵ - رساله چهار وادی ۶ - کلمات مکنونه ۷ - جواهر

الاسرار ۸ - مثنوی مبارک

گروه دوم: کتب و الواح و آثاری که مسائل عرفانیه در آنها بطور پراکنده پیش آمده و فقط قسمتهائی از این آثار حاوی متون عرفانی میباشد این آیات و بیانات مبارکه را میتوان به چهار دسته تقسیم نمود که در کتب و رسالات و الواح متعدده بخصوص در جواب سئوالات نفوس اعم از بهائی و غیر بهائی و در ضمن تشریح و تفسیر اشعار شعراء و اقوال عرفاء و احادیث نبویه و آیات قرآنی نازل گشته و به بعضی از آن موارد در این مقاله اشاره خواهد شد.

گروه سوم: مجموعه اذکار و ادعیه و مناجاتهای مبارکه و صلوة کبیر که بحر اعظم آثار عرفانی بی نظیر جمالقدم را هر آن به نحوی بدیع بموج آرد و باوج رساند و قلوب مشتاق عارفین را در هر آن بهزاران هزار جرعه از جام اشتیاق سرمست و سیراب فرماید.

تقسیم بندی فوق را میتوان بصورت فهرست زیر خلاصه نمود.

### آثار عرفانی جمالبارک

گروه اول: آثاری که مطلب اصلی آن در شرح مسائل عرفان نظری و یا عرفان عملی می باشد:

۱ - قصیده رشع عما ۲ - قصیده عز ورقائیه ۳ - قصیده ساقی  
۴ - رساله هفت وادی ۵ - رساله چهار وادی ۶ - کلمات مکنونه ۷ - جواهر  
الاسرار ۸ - مثنوی مبارک

گروه دوم: کتب و آثاری که مسائل عرفانیه بطور پراکنده در آن پیش آمده  
است که شامل چهار دسته می باشد:

دسته اول: متون عرفانی در کتب مهمه جمالبارک چون قسمت‌هایی از کتاب  
مستطاب ایقان و لوح خطاب به ابن ذئب.  
دسته دوم: الواح نصیحیه بافتخار افراد احبا چون لوح احمد فارسی -  
لوح سلمان - لوح مقصود و صد‌ها لوح دیگر.  
دسته سوم: آیات و بیانات مبارکه در تفسیر و تشریح اشعار شعرا و ابیات  
عرفا.

دسته چهارم: آیات و بیانات مبارکه در تفسیر آیات قرآنی و احادیث نبویه  
که شامل مطالب عالیه عرفانیه می باشد.

گروه سوم: مجموعه نفیس و بی نظیر ادعیه و اذکار و الواح مبارکه شامل  
مطالب دقیقه و نکات بدیعیه عرفانیه.

حالا فهرست وار به هر یک از موارد فوق اشاره شده و شاهدهی از بیانات  
مبارکه برای مزید مسرت یاران زیارت می‌گردد:

ابتداء ۸ اثر از گروه اول که از آثار عرفانی حضرت بهاء الله می باشند بر  
اساس ترتیب تاریخ نزول هر یک معرفی میشوند:

۱ - قصیده رشع عما که از اولین آثار جمالبارک می باشد این قصیده  
مقارن اظهار امر حقی جمالبارک درسیاه چال طهران یعنی در تابستان سنه  
۱۸۵۳ نازل و گویای مراتب ظهور تجلیات الهیه از آن مطلع اسرار ربانیه است از  
جمله آن اشعار چند بیت ذیل زیارت میشود:

رشع عما از جذبه ما میریزد      سر و فسا از نغمه ما می ریزد  
از باد صبا مشک ختا گشته پدید      وین نغمه خوش از چعه ما میریزد  
یوم خدا از جلوه رب شد کامل      این نغز حدیث از غنه طا میریزد  
آنچه از این قصیده مبارکه در دست یاران است ۱۹ بیت می باشد.

۲ - قصیده عز ورقائیه که به خواهش علماء کردستان در ایام اقامت مبارک  
در سلیمانیه به سبک و شیوه قصیده تائیه ابن فارض نازل و شامل بیش از دو هزار  
بیت بوده که فقط ۱۲۷ بیت آن موجود و مطبوع است و براین ابیات جمال مبارک  
خود حاشیه و تفسیر اضافه فرموده اند. این اشعار نغز عرفانی اکثر در شرح  
بلایای وارده به انبیاء و رسل قبل و بلایای وارده بر آن طلعت ابهی و حاوی  
اشارات لطیفه در مقام آن مظهر کبریا است بعضی از ابیات آن قصیده محض  
سرور خاطر یاران در این مقام زیارت می‌گردد:

"اجذبتنی سوارق انوار طلعته      بفروغها کل الشمس تخفت"

تا چائیکه اشاره به حزن و اندوه قلب خود فرموده میفرماید:  
 "و من حزنی بحر السور تجدت و عن همی عین الهموم تجرت"  
 و در عین حال تحمل بلا را در سبیل محبوب شیرین دانسته میفرماید:  
 "مر البلاء فی سبیل حب حلو و شهد البقاء من عند غیرک مرّة"  
 و بالاخره خطاب به عباد ذکر مقام عاشقین و فائزین و مخلصین را نموده  
 میفرماید:

"فطوبی للعاشقین فی سفک دماهم و طوبی للواردین فی شرح بدیعة"  
 فطوبی للمخلصین فیما سرعوا عن کل الجهات فی ظل ربوبیتی."  
 این قصیده مبارکه در آثار قلم اعلیٰ جلد سوم بطور کامل منتشر شده  
 است.

۳ - قصیده ساقی که آن نیز در ایام سلیمانیه در سال ۱۲۷۱ هجری قمری  
 نازل و سراسر آن از شور و عشق و کشف حجاب از وجه محبوب آفاق و مقامات  
 فنا و فدا حکایت مینماید. از جمله آن اشعار ابیات ذیل نقل میگردد:

"ساقی از غیب بقا برقع برافکن از عذار تا بنوشم خمر باقی از جمال کردگار  
 آنچه در خم خانه داری نشکند صفرای عشق ز آنشراب معنوی ساقی همی بحری بیار"  
 تا آنجا که میفرماید:

"تا نکردی فانی از وصف وجود ای مرد راه کی چشوی خمر بقا از لعل نوشین نگار  
 نار عشقی بر فروز و جمله هستیها بسوز پس قدم بردار و اندر کوی عشاقان گذار  
 کر خیال جان و سر هستت بدل اینجا میا ورنه نثار این و آن داری بیبا و هم بیار  
 رسم ره اینست کر وصل بها داری طلب ورنه نباشی مرد این ره دور شو زحمت میار."  
 و بالاخره اشعار مبارک را با تلخیص درویش پایان میبخشد:

"درویش جهانسوخت از این نغمه جان سوز الهی وقت آنست کنی زنده از این نغمه زار"  
 ۴ - رساله هفت وادی: رساله هفت وادی که شاید معروفترین اثر عرفانی

جمالبارک باشد پس از مراجعت از سلیمانیه در بغداد در جواب شیخ محیی الدین  
 قاضی خانقین و بر وفق مشرب اهل تصوف و عرفان و بترتیب کتاب منطق الطیر  
 عطار از قلم مبارک نازل گردید این اثر نفیس که در تشریح منازل و مراتب هفتگانه  
 سیر و سلوک نازل گشته اگر چه بر اساس معارف موجوده و اصطلاحات عرفا  
 صادر گردیده مع هذا حاوی بسیاری از مضامین بدیعه و حقائق متعالیه ایست که  
 آنرا از آثار مشابه بالکل ممتاز مینماید در این کتاب مستطاب بترتیب مراتب  
 هفتگانه سیر سالکان را از مسکن خاکی بوطن الهی که به هفت وادی یا هفت شهر  
 تعبیر گشته بیان فرموده و بترتیب مدائن هفتگانه طلب - عشق - معرفت -  
 توحید - استغنا - حیرت و بالاخره فقر و فنا را توضیح و تشریح میفرماید در  
 ضمن تشریح وادیهای مختلفه گاه نیز اشعار شعراء متصوف و عرفای بنام را  
 شاهد میآورند از جمله در شرح وادی عشق و در وصف نشان عاشق آمده  
 نشان عاشق آن باشد که سردش بینی از دوزخ نشان عارف آن باشد که خشکش یابی از دریا  
 و یا آنکه:

"نکند عشق نفس زنده قبول نکند باز موش مرده شکار"

ونیز:

"با دو عالم عشق را بیگانگی اندر او هفتسازد و دو دیوانگی"  
و در شرح وادی معرفت و در وصف بصیرتی که مسافر این وادی حقایق  
اشیاء را مشاهده توانند کرد، آورده اند:

"دل هر نره را که بشکافی آفتابیش در میان بینی"  
در اینجا باید بدرجه لطف و صمیمیت جمالبارک در نحوه بیان و خطاب  
اشاره شود از جمله در مقامی در نهایت لطف شیخ را مخاطب ساخته او را  
نصیحت میفرمایند "ای برادر من قلب لطیف بمنزله آئینه است آنرا بصیقل حب و  
انقطاع از ماسوی الله پاک کن تا آفتاب حقیقی در آن جلوه نماید و صبح ازلی  
طالع شود و در جای دیگر نازل: "ای دوست دل که محل اسرار باقیه است محل  
افکار فانیه مکن و سرمایه عمر گرانمایه را باشتغال دنیای فانیه از دست مده از  
عالم قدسی بتراب دل مبند و اهل بساط انسی وطن خاکی میسند."

و در مقامی به اشاره ای ابلغ از تصریح شیخ را بظهور جدید متذکر

میسازند:

"یار بی پرده از در و دیوار در تجلی است یا اولی الابصار"  
در مقامی دیگر جمال ابهی وحدت شریعت و طریقت را بشرح ذیل  
بیان میفرمایند، قوله الاحلی:

"سالک باید در جمیع اسفار بقدر شعری از شریعت که فی الحقیقه سر  
طریقت و ثمره شجره حقیقت است انحراف نوزد و در همه مراتب بذیل اطاعت  
اوامر متشبهت باشد و بحبل اعراض از مناهی متمسک تا از کأس شریعت مرزوق  
شود و بر اسرار حقیقت واقف گردد. با این بیان مبارک دعوی چندین ساله اهل  
شریعت و طریقت را پایان بخشیده و اجرای دستورات شریعت را برای وصول  
بحقیقت لازم شمرده اند.

در صفحه آخر همین رساله مبارکه جمالبارک آیه ای میفرمایند که پایه  
فهمی جدید و درکی وسیع از آیات مبارکه را میسر میسازد و فرضیه نسبیت در  
درک مفاهیم روحانیه را تأیید و تصدیق مینماید و چون بدقت کافی در مفاهیم  
وسیع این بیان تعمق کنیم طرز تفکری جدید درمیادین مختلفه علوم و فنون برایمان  
ممکن میگردد.

و آن آیه مبارکه اینست قوله الحکیم:

"ولکن هر حرفی را در هر عالمی باقتضای آن مقصودی مقرر است."\*

اهمیت دیگر این رساله در آنست که حضرت عبدالجباء آنرا روش سلوک  
راستان دانسته از جمله میفرمایند: "هفت وادی به جهت سیر و سلوک نازل شد و  
سیر و سلوک بسیار محبوب... درویشی که از قلم اعلی تحریر یافت معنیش  
فحوای رساله سلوک است و بسیار معقول..."

\* نقل از آثار قلم اعلی جلد سوم "هفت وادی" - چاپ طهران ۱۳۶۱ بدیع.

## ه - رساله چهار وادی

در اواخر رساله هفت وادی جمالمبارک بیاناتی باین مضمون میفرمایند که طایران هوای توحید و واصلان لجهء تجرید مقام بقاء بالله را که وادی هفتم از هفت وادی است منتهی رتبه عارفان و آخرین وطن عاشقان شمرده اند ولی جمال مبارک این مقام را اول شهر بند دل یعنی اول ورود انسان به مدینه قلب دانسته اند و قلب را چهار رتبه مقرر فرموده اند که اگر اهلش یافت شد مذکور دارند.

حال در رساله چهار وادی که بافتخار شیخ عبدالرحمن کرکوکی در بغداد نازل شده این چهار وادی سیر و سلوک را ذکر میفرمایند که درک و فهم آن نسبتاً مشکل و محتاج مطالعه و دقت بسیار است در اینجا با استفاده از عین بیانات مبارکه باختصار باین چهار وادی یعنی مقامات نفس عقل عشق و عرش فواد اشاره میشود.

وادی اول: اگر سالکان از طالبان کعبه مقصودند این رتبه متعلق به نفس است...

... و در این مقام نفس محبوب است نه مردود و مقبول نه مقهور اگر چه در اول این رتبه محل جدال است ولیکن آخر آن جلوس بر عرش جلال... پس معلوم میشود که کتاب نفس را باید مطالعه نمود نه رساله نحو را چنانچه میفرماید

آقراء کتابك وكفی بنفسك الیوم حسیباً  
محو میباید نه نحو اینجا بدان  
گر تو محوی بیخطر بر آب ران  
(آثار قلم اعلی جلد سوم ص ۱۴۴ طهران ۱۲۱ بدیع)

دوم - اگر سالکان از ساکنان حجره محمودند این مقام راجع به عقل میشود که او را پیغمبر مینامند و رکن اعظم دانند لیکن عقل کلی ربانی مقصود است که در این رتبه تر بیت امکان و اکوان بسلطنت اوست نه هر عقل ناقص بیمعنی چنانچه حکیم سنائی میگوید:

عقل جزئی کی تواند گشت بر قرآن محیط  
عشق اگر خواهی که ناکه در عقیت نکند  
عنکبوتی کی تواند کرد سیمرغی شکار  
کوش کیرش در دبیرستان الرحمن درآر

(آثار قلم اعلی جلد سوم صفحه ۱۴۵)

و در تعلیم سالکین این لجه میفرماید:

اتقوا الله یعلمکم الله و همچنین میفرماید: العلم نور یقذفه الله علی قلب من یشاء

(آثار قلم اعلی جلد سوم صفحه ۱۴۶)

وادی سوم - و اگر عاشقان از عاکفان بیت مجذوبند این سریر سلطنت را جز طلعت عشق چالس نتوان شد این مقام را شرح نتوانم و وصف ندانم.

با دو عالم عشق را بیگانگی  
مطرب عشق این زند وقت سماع  
و ندرا او هفتاد دو دیوانگی  
بندگی بند و خداوندی صداع

... این مقام نه سلطنت عقل را کفایت مینماید و نه حکومت نفس را...  
 ایشان نفوسی هستند که صف نعال را با صدر جلال يك دانند و ایوان  
 جمال را با میدان جدال در سیل محبوب يك شمرند... اینست که میگویند:  
 وصفی ز حسن روی تو در خانقہ فتاد  
 عشقت بنای صبر بکلی خراب کرد  
 صوفی طریق خانه خمار برگرفت  
 جویت در امید بیکسار برگرفت  
 فی المناجات لله تبارک و تعالی:  
 ای خدا ای لطف تو حاجت روا  
 ذره علمی که در جان منست  
 قطره دانش که بخشیدی ز پیش  
 متصل کردان بدریاهای خویش<sup>۱</sup>  
 (آثار قلم اعلی جلد سوم صفحه ۱۴۷ - ۱۴۹)

وادی چهارم - و اگر عارفان از اصلان طلعت محبوبند این مقام عرش  
 فواید است و سر رشاد این محل رمز یفعل مایشاء و یحکم ما یرید است.  
 و هر کس ادراک این رتبه نمود البته ستر نماید و اگر رشحی اظهار دارد و  
 یا ابراز نماید البته سر او بردار مرتفع خواهد شد.  
 محبت در این مقام قمص و حجاب میشود و آنچه غیر از اوست غطا  
 میگردد اینست که حکیم سنائی میگوید:

روی آن دلبر نبوید هیچ دل با آرزو  
 زیرا که این عالم امر است و منزّه از اشارات خلق  
 با چنان گل رخ نخسبد هیچ تن با پیرهن  
 بیش از این گفتن مرا در خوبی نیست  
 بحر راکنجایش اندر جوی نیست  
 حیرت در این مقام بسیار محبوب است و فقر بحث بسیار مطلوب اینست  
 که میفرماید:

"الفقر فخری"<sup>۲</sup> (پایان نقل از چهار وادی مبارک آثار قلم اعلی جلد سوم طهران ۱۲۱ بدیع  
 صفحه ۱۴۹ تا ۱۵۲)

۶ - کلمات مکنونه - رساله مبارکه کلمات مکنونه که به صحیفه فاطمیه و  
 نیز صحیفه مخزنه فاطمیه نامیده میشود اثر عرفانی دیگری است که در سال  
 ۱۲۷۶ هجری قمری در بغداد در حینی که در کنار دجله مشی میفرمودند برخی  
 یکجا در لوحی\* و برخی در دفعات مختلفه نازل گردیده است این کتاب مستطاب  
 پفرموده حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع مجموعه جواهر آسانی است که  
 جوهر تعالیم الهی و زبده نصایح آسمانی برای تلطف و ارتقاء حقایق  
 بشریه به عوالم عز روحانیه از قلم مالک البریه در آن نازل گردیده است.  
 در وصف این اثر بی نظیر این بیان حضرت مولی الوری گویای همه

\* مراجعه شود به شرح نزول کلمات مکنونه در لوح خطاب به زین القربین که جمالبارک میفرماید  
 قوله الاحلی: در کلمات مکنونه ذکر نموده بودید بعضی از آن در یک لوح مره واحده نازل و لکن در بعضی  
 احیان فقرات دیگر نازل شده... رساله مجامع تحقیق مجموعه نصوص فوق الذکر طهران ۱۳۳ بدیع.



معانی است میفرمایند: کلمات مکنونه کنز اسرار است چون نکت در آن نمایند ابواب اسرار مفتوح گردد (مجموعه نصوص در باره کلمات مکنونه جمع آوری دارالتحقیق بین المللی).

غیر از مقام کنز اسرار کلمات مکنونه مقیاس رفتار و کردار هر سالک سبیل حضرت پروردگار است چه که حضرت عبدالبهاء میفرمایند: باید کلمات مکنونه فارسی و عربی را لیل و نهاراً قرائت نمائیم و تضرع و زاری کنیم تا بموجب این نصایح الهی عمل نمائیم این کلمات مقدسه بجهت عمل نازل شده نه بجهت استماع.

ذکر مطالب وارده در این رساله مبارکه ولو فهرست وار غیر ممکن است چه که این صحیفه به چنان اختصار و ایجازی نازل شده است و چنان دریاهای عرفان و حکمت و اسرار در آن بصورت فشرده متمرکز شده است که فهرست مطالب آن تقریباً معادل خود کتاب است فقط بطور اجمال و از نظر کلی میتوان گفت که این سفر کریم مقیاس ارزشهای معنوی روحانی و اخلاقی بشری بوده و خواهد بود. در این کتاب مبارک داستان عهد ابدی خداوند با بندگان وارد آمده و باستعارات و تشبیهات و تمثیلات بدیعه قصه وفا و بیوفائی، قصه غفلت و فراموشی، قصه جهل و نادانی و قصه غرور و نافرمانی، قصه آز و حسد، قصه سقوط در وادی امل و شهوت و بالاخره قصه بلایای وارده بر مظاهر امر از یکطرف و داستانهای عشق و محبت بجمال احدیت، داستان فنای فی الله عروج به فضاهای خوش روحانی، داستان فدای عاشقان، داستان محبت یار مهربان، داستان ملاقات محبوب باعباد خود در سحرگاهان، داستان طیران مرغ دل بهوای قدس قرب جانان و هزاران داستان شورانگیز دیگر در این خزانه عشق و اسرار خداوندی نهفته است و چون بکلمات مکنونه عربیه ناظر گردیم آثار قدرت و عظمت و جلال کلام الهی را در مراتب حکمت و اخلاق و خلفت و مقامات محبت و قوای مودوعه در حقیقت نفس و مقام رفیع قلب و فوآد و نصائح اخلاقیه در نجات نفوس از بند هوس و هوای زیارت نمائیم.

در مجموع کلمات مکنونه فارسی و عربی حلقه اتصال ابدی ادیان با یکدیگر و گویای عهد بوم الست بین انسان و خداوند زمین و آسمان است. مطالعه بیشتر مطالب و مسائل و رموز و اسرار این صحیفه مبارکه در تحقیق جداگانه بنام کنز اسرار آمده است.

در اینجا فقط اشاره میشود که تمامی مراحل سیر و سلوک و جمیع نصائح اخلاقیه و بسیاری اندازات بامور آتیه و تجدید عهد با مظهر احدیه فقط بخشی از مسائل وارده در کلمات مکنون است که يك فقره آن محض تیمن و تبرک زینت بخش این اوراق میگردد:

ای بیگانه با یگانه شمع دلت برافروخته دست قدرت من است آنرا بپادهای مخالف نفس و هوای خاموش منما و طبیب جمیع علت‌های تو ذکر من است فراموشش منما حب مرا سرمایه خود کن و چون بصر و جان عزیزش دار

۷ - جواهر الاسرار فی معارج الاسفار: این رساله مبارکه که در ایام بغداد قبل از نزول کتاب مستطاب ایقان در جواب سئوالات سید یوسف سدهی و بقولی در جواب سئوالات کتبی حاج سید محمد اصفهانی ساکن کربلا نازل شده است. در این رساله ابتدا رموز کتب مقدسه به نحوی شبیه مطالب کتاب مستطاب ایقان تشریح و سپس جمالمبارک مقامات سیر و سلوک عبد را به مبداء خو بشرح ذیل بیان میفرمایند:

۱ - حدیقه طلب ۲ - مدینه عشق ۳ - مدینه توحید ۴ - مدینه الاحدید  
 ۵ - حدیقه حیرت ۶ - مدینه فنا ۷ - مدینه بقا

این رساله مبارکه که در حدود ۸۸ صفحه است در آخر این لوح مبارک میفرمایند که بعلت عجله از ذکر دو مقام اعلی در مراتب سیر و سلوک صرفنظر فرموده اند و آن مقامات تسلیم و رضا میباشد بنابراین اگر مقامات تسلیم و رضا به هفت وادی مذکوره در این رساله افزوده شده بود بجای هفت وادی رساله ای در شرح نه وادی از قلم مبارک در دسترس اهل عالم قرار میگرفت. این رساله در ابتدای جلد سوم آثار قلم اعلی بطور کامل مندرج است.

۸ - مثنوی مبارک: یکی دیگر از آثار مبارکه مهمه عرفانیه حضرت بهاءالله مثنوی مبارک میباشد که در ایام ادرنه نازل و حاوی ۳۰۰ بیت میباشد. اگر چه تاریخ نزول این اشعار فاصله زیادی با آثار مشابه چون هفت وادی و کلمات مکنونه دارد ولی بسیاری اصطلاحات و مطالب و مفاهیم مشابه در این آثار چشم میخورد.

در این اثر مبارکه که هر بیت آن خود رساله و کتابی شرح و بسط خواهد حضرت بهاء الله باسوز و گدازی مخصوص حقائق عالیه بدیعه ای در مقامات عرفان حق و ظهور خود و حقیقت انسانی و محبت الهی و طهارت قلب و عهد است بیان میفرمایند که محض مزید مسرت دوستان ابیاتی پراکنده از آن اثر زینت بخش این اوراق میگردد از جمله در بشارت بظهور خود:

آی بهای جان بیاد روی تو	نکته ها گویم همی از خوی تو
تا بر آرم چنانها را از خرد	تا به بینیم در عشقت که خرد
برفرورزم آتشی اندر جهان	تا بسوزم پرده های قدسیان

\*\*\*

نو بهاری نو ز نو آورعیان  
 و در وصف بهار روحانی فرموده اند:

آی نکار از روی تو آمد بهار	زین بهار آمد حقائق بیشمار
آن بهاران شوق خویان آورد	وین بهاران عشق یزدان آورد
و در نصیحت دوستان جهت وصول به بهشت یزدان میفرمایند:	

چون تو هستی این زمان در دام گل	کی بری بوئی تو از رضوان دل
پس برهنه شو تو از ثوب قیود	پس مقدس کن تو جان را از حدود

چونکه ظلمت رفت نورش مشرق است  
 و سپس در مراتب عشق الهی و توجه تام بجمال رحمانی ابیاتی عارفانه  
 وارد آمده از جمله چند بیت ذیل:

چشم عاشق چون جمال او بدید  
 هم ز نسیا هم ز غقبی دل برید

موج دریا های عشق از موج او  
 اوج عنقا های عشق از اوج او

چونکه چشم تو ز چشمش نور یافت  
 ظلم باشد گر بغیر او بتافت

این اشعار شیرین و پرحال در آثار قلم اعلی جلد سوم مطبوع و منتشر  
 است.

### گروه دوم متون عرفانی در سایر الواح و رسائل جمالبارک.

در صفحات قبل ملاحظه کردید که چگونه حضرت بهاء الله جل اسمه الابهی  
 رسائل و اشعاری در نهایت بلاغت و فصاحت در شرح و بسط مسائل عرفانیه  
 عشقیه جذبه و یا بافتخار و اعزاز عرفا بنام و یا در جواب سئوالات نفوس در  
 مسائل عرفانی و یا بصرف فصل و عنایت نازل فرموده اند و وجود این آثار  
 نفیسه در مسائل عرفانی و در مقامات سیر و سلوک انسانی خود شاهد اهمیت و  
 مقامی است که عرفان و سلوک در این امر مبارک دارا میباشند.

از آثار مبارکه فوق گذشته در بسیاری از کتب و رسائل و الواح دیگر  
 جمالبارک بطور پراکنده به مسائل عرفانیه اشاره شده و مراتب طهارت قلب و تزکیه  
 نفس و حصول مراتب عرفانیه و اخلاقیه و وصول بمدارج عز رحمانیه تشریح و  
 بیان گردیده است.

کثرت این قبیل بیانات بقدری است که اگر یکجا جمع شود کتب متعدده را  
 شامل گردد و چون بخواهیم ترتیب و تنظیمی جهت این قبیل متون یعنی گروه دوم  
 آثار عرفانی جمالبارک بدهیم لااقل باید چهار مورد ذیل را در نظر بگیریم:

گروه دوم - دسته اول - آیات و مطالب وارده درباره عرفان و سلوک در کتب  
 و رسائل مهمه آنحضرت که جهت انتباه نفوس و توجه روحانی آنان نازل شده  
 است.

چون قسمتهای مهمی از کتاب مستطاب ایقان - لوح ابن ذئب و امثال  
 آنها.

گروه دوم - دسته دوم - الواح نصیحه که بافتخار افراد احباء و غیر احبا  
 نازل و در آن مسائل عرفانیه نازل چون لوح احمد فارسی - لوح رئیس - لوح  
 شکرشکن - لوح حروفات علین - لوح مقصود و صدها لوح مبارک دیگر.

گروه دوم - دسته سوم- آیات و بیانات مبارکه در تفسیر و تشریح اشعار شعرا و ابیات عرفا که حاوی بیانات متعالیه در دقائق عرفانیه است از جمله در لوح سلمان این بیت مولوی را تشریح و تفسیر میفرمایند:

چون که بیرنگی اسیر رنگ شد  
موسی با موسی در جنگ شد  
و در لوح مبارکه دیگر در تفسیر شعر سعدی که میگوید:

دوست نزدیکتر از من بمن است  
وین عجب بین که من از وی دورم

مسائل عالیه عرفانیه بیان فرموده اند:

گروه دوم - دسته چهارم - بیانات مبارکه در تفسیر آیات قرآنی و احادیث نبویه و حروفات مقطعه قرآن که در جواب سوالات نفوس نازل گردیده است از جمله در تشریح "کان الله ولم یکن معه من شئی و الیوم یكون بمثل قدکان" و یا در بیان معنای "من عرف نفسه فقد عرف ربه"

و یا در تبیین آیه الفکر فخری "و در بیان مفهوم "لا یسعی ارضی و لا سمائی بل قلب عبیدی المؤمن" که در شرح و تفسیر این آیات و احادیث حل بسیاری مسائل عرفانیه و الهیه وارد آمده است.

تشریح و تفسیر و بیان مقاصد حقیقی این ابیات و احادیث نه تنها اساس وحدت مسائل معنوی و عرفانی را در ادیان مختلفه اثبات مینماید بلکه افق جدیدی در فهم این مطالب جهت اهل عالم میگشاید و ابواب وسیعی برای اهل دانش و پیشش مفتوح میسازد.

حال برای مزید مسرت خاطر دوستان بعضی آیات عرفانیه مبارکه که در آثار و کتب و رسائل فوق الذکر نازل بترتیب زیارت میگردند:

شواهدی از دسته اول: از دسته اول یعنی کتبی که مسائل عرفانیه در آنها بطور پراکنده آمده است شواهدی از کتاب مستطاب ایقان و لوح ابن ذئب زیارت میگردند. از جمله در کتاب مستطاب ایقان که حاوی بسیار لطائف عرفانیه و دقائق مراتب سیر و سلوک است بایات و آثاری بر میخوریم که اگر در مراتب عرفان فقط همین آیات کتاب مستطاب ایقان در امر مبارک وارد شده بود عالمی را کفایت میکرد.

قدرت بیان و شیوایی کلام و عمق مسائل عرفانیه در کتاب مستطاب ایقان چنان است که چون تمامی آنچه اهل تصوف و عرفان در طی قرون و اعصار در مراتب سیر سالکان گفته اند جمع نمائی با آنچه از بیانات مبارکه که در این رقی منشور نازل شده مقابله نتواند چون اهل سیر و سلوک در قرون و اعصار آینده آرزوی وصول بمدارج عالیه عرفانیه نمایند همین مقدار آنان را کفایت نماید. بعضی از آن مطالب عالیه عرفانیه در سبیل سیر و سلوک اینست:

ای برادر من شخص مجاهد که اراده نمود قدم طلب و سلوک در سبیل معرفت سلطان قدم گذارد باید در بدایت امر قلب را که محل ظهور و بروز تجلی اسرار غیبی الهی است از جمیع غبارات تیره علوم اکتسابی و اشارات مظاهر شیطانی پاک و منزله فرماید.... و باید در کل حین توکل بحق نماید و از خلق اعراض کند و از عالم تراب منقطع شود و بر ب الارباب دربند و نفس خود را بر

احدی ترجیح ندهد و افتخار و استکبار را از لوح قلب بشوید و بصبر و اصطبار دل بندد. و صمت را شعار خود نماید و از تکلم بی فایده احتراز کند... و غیبت را ضلالت شمرد و بآن عرصه هرگز قدم نگذارد زیرا غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند و بقلیل قانع باشد و از طلب کثیر فارغ مصاحبت منقطعین را غنیمت شمارد و عزلت از متمسکین و مبتکرین را نعمت شمرد در اسحار باذکار مشغول شود و بتمام همت و اقتدار در طلب آن نگار بکوشد. و سپس در حالات و مقامات نفوسی که راه مجاهده طی نموده و به مدینه الهی وارد شده اند از جمله میفرمایند "...در آن حین بشیر معنوی ببشارت روحانی از مدینه الهی چون صبح صادق طالع شود و قلب و نفس و روح را بصور معرفت از نوم غفلت بیدار نماید و عنایات و تأییدات روح القدس حیات تازه جدید مبذول دارد بقسمی که خود را صاحب چشم جدید و گوش بدیع و قلب و فواد تازه می بیند... قسم بخدا که اگر سالک سبیل هدی و طالب معارج تقی باین مقام بلند اعلی واصل گردد راحه حق را از فرسنگهای بعیده استنشاق نماید و صبح نورانی هدایت را از مشرق کل شی ادرک کند و هر ذره و هر شئی او را دلالت بر محبوب و مطلوب نماید و چنان ممیز شود که حق را از باطل چون شمس از ظل فرق گذارد..."

(از ایقان مبارک که در منتخبات الواح چاپ آلمان شماره ۱۲۵ آمده است.)

شاهد دیگر نصایح از دسته اول در نصایح عرفانیه و اخلاقیه بیانات نازله بر مواقع مختلفه لوح ابن ذنب است از جمله آنجا که میفرمایند قوله الاحلی: یا شیخ از حق بطلب آذان و ابصار و افئده عالم را مقدس فرماید و از هوای نفس حفظ نماید چه غرض مرضیست بزرگ انسان را از عرفان حضرت موجود محروم مینماید و از تجلیات انوار نیر ایقان ممنوع میسازد.

از فضل و رحمت و رحمت الهی سائل و آمل که تا این مانع اکبر را از میان بردارد.

(لوح ابن ذنب چاپ آلمان صفحه ۶۴)

در همین لوح یکی از لطیف ترین مناجاتهای عشقی و عرفانی جمالمبارک زیارت میگردد که بفرموده مبارک لسان سر درلیالی و ایام بآن ناطق بوده و آن مناجات که مطلع آن

لولا البلیافی سبیلک من این یظهر مقام عاشقیک

میباشد در مجموعه مناجاتهای عرفانی ملحق باین رساله آمده است زیارت شود. از دسته دوم یعنی الواح و آثار خطاب بافراذ بذکر چند آیه از لوح احمد فارسی اکتفاء میشود:

قوله الاحلی آی بندگان اگر از بدایع جود و فضلم که در نفس شما ودیعه گذارده ام مطلع شوید البته از جمیع جهات منقطع شده بمعرفت نفس خود که معرفت نفس منست پی برید و از دون من خود رامستغنی بینید (صفحه ۱۲۴ دریای دانش.)

آی احمد دیده را پاک کن و مقدس نما تا تجلیات انوار لا نهاییات از جمیع جهات ملاحظه نمائی و گوش را از آرایش تقلید منزه کن تا نعمات عندلیب وحدت و

توحید را از افنان باقی انسانی بشنوی.

ای احمد چشم ودیعه من است او را بغبار نفس و هوی تیره مکن و گوش مظهر جود من است او را باعراض مشتبهه نفسیه از اصغای کلمهء جامعه باز مدار قلب خزینه من است لثالی مکنونه آن را بنفس سارقه و هوس خائن مسپار... (صفحه ۱۱۶ دریای دانش).

بعنوان نمونه از دسته سوم یعنی بیانات مبارکه در تشریح اشعار عرفاء فقط به لوح مبارک ذیل اکتفاء میشود که در بیان معانی بیتی از سعدی شیرازی از جمله میفرمایند:

ولکن مقصود شاعر از این بیت که :

دوست نزدیکتر از من بمن است  
ترجمه آیه مبارکه بوده که میفرماید: و نحن اقرب الیه من حبل الورد  
وفی الحقیقه بلسان پارسی خوب ذکر نموده و در این حین از خمر رحمت رب العالمین شارب چه که از لسان قدم ذکرش جاری شد چون حق فرمود که من بانسان نزدیکتر از رگ گردن اولذا میگوید با وجود آنکه تجلی حضرت محبوب از رگ گردن من بمن نزدیکتر است مع ایقان باین مقام و اقرار باین رتبه من از او دورم یعنی قلب که مقر استواء رحمانی است و عرش تجلی ربانی از ذکر او غافل است و بذکر غیر او مشغول از او محجوب و بدنیا و الای آن متوجه....  
(صورت کامل این لوح مبارک در همین نشریه قبل از مقاله آقای دکتر رأفتی مندرج است.)

اما دسته چهارم از گروه دوم که عبارت از بیانات مبارکه در تفسیر آیات قرآنی و احادیث نبویه و یا آوردن شاهد از این آیات در شرح مسائل عرفانیه میباشد بسیار زیاد و خود موضوع تحقیقی وسیع تواند بود در این مقام فقط بذکر یک نمونه اکتفاء میشود و آن در بیان مقام انسان است که میفرماید: (منتخباتی از آثار مبارکه چاپ آلمان قطعه شماره ۹۰)

آنچه در آسمانها و زمین است محال برون صفات و اسمای الهی هستند چه آفتابهای معارف که در ذره مستور شده و چه بحرهای حکمت که در قطره پنهان گشته، خاصه انسان که از بین موجودات باین خلع تخصیص یافته و باین شرافت ممتاز گشته چنانچه جمیع صفات و اسمای الهی از مظاهر انسانی بنحو اکمل و اشرف ظاهر و هویدا است و کل این اسماء و صفات راجع به اوست اینست که فرموده "انسان سری و انا سره" و آیات متواتره که مدل و مشعر بر این مطلب رقیق و لطیف است در جمیع کتب سماویه و صحف الهیه مسطور و مذکور است. چنانچه میفرمایند: "سنریم (۱) آیا تنا فی الافاق و فی انفسهم" و در مقام دیگر میفرماید "و فی (۲) انفسکم افلا تبصرون" و در مقام دیگر میفرماید و لاتکو نواکالذین نسوا الله فانسا هم انفسهم (۳)

چنانچه سلطان بقا روح من فی سراق العمأفاده میفرماید: "من عرف نفسه فقد عرف ربه" منتخبات الواح جمالبارك چاپ آلمان شماره ۹۰ صفحه ۱۱۸. در اینجا اشاره به چهار دسته از آثار عرفانیه جمالبارك که عبارت از گروه دوم این آثار باشد با تمام رسید و حال به گروه سوم که عبارت از ادعیه و اذکار و مناجاتهای عرفانیه است اشاره میگردد.

### گروه سوم - آثار عرفانی جمالبارك

عبارت است از مجموعه نفیس و بی نظیر ادعیه و اذکار والواح اعیاد و ایام متبرکه و صورت صلوه کبیر و الواح مخصوص ایام صیام و بحر بی پایان مناجاتهای مبارکه بلسان عربی و پارسی و بعضی غزلیات و اشعار که فی الواقع میراثی مرغوب برای تجلی آفتاب کلمه الهیه در قلوب مشتاقین و وسیله وصول عاشقین بقاء روحانی آن معشوق بیهمتا و فوز عارفین بشاطی بحر عرفان آن محبوب یکتا میباشد.

در این مقام قلم تحریر و لسان تقریر نتواند این وادی وادی قلب و فواد است و این سرا خلوتخانه عشق حضرت کبریاء بقدم دل وارد این سرای قدم توان شد و بچشم سر اسرار نهران در این گنجینه پنهان توان دید در این فضای خوش جانان فقط پیر جان پرواز توان نمود و این کوثر باقی را فقط از ید ساغر معانی باید نوشید.

در این مقام کلام دوام نیارد و شرح و بسط پرده و حجاب گردد حروف و کلمات مانع وصول شود و همهمه اصوات پرده گوش بخرشد. لذت مناجات حقایق ذات را محظوظ نماید و عین فوآد را بیدار کلشن ران منور سازد چشم دل باغها ببند و رازها شنود و نغمات بلبل معنوی بر گلبن معانی استماع نماید. بجان بخروشد و از عمق روان بجوشد روی محبوب ببند و از خلق و خوی معبود بهره یابد.

ازعالم و عالمیان بیگانه گردد و مفتون و شیدای دلبر یگانه شود و چون نوع بشر در این ایام پر خطر در نزدیکی ورطه هلاک قدم بر میدارد و توسعه امکانات مادیه تمامی توجه او را بخود معطوف میسازد اینست که برای نجات او از دام مادیات و حفظ او از اوهام و خیالات بقدری آیات و آثار و ادعیه و مناجات و اذکار و اشعار از قلم حضرت پروردگار در جمیع مطالب و در کل مناسبات نازل گشته که ابدأ نمونه ای از این وسعت و عظمت و صمیمیت در ادعیه و مناجاتهای ادیان قبل نتوان یافت و این خود گویای کثرت احتیاج بشر در این عصر و عصور و عهود آتیه در توجه بروحانیات و در توسل به دعا و مناجات است که تلاوت آن در هر صبح و شام فرض و واجب گردیده و اجرای این حکم محکم جزء عهد و میثاق امر مالک امم محسوب گشته است. تا بفرموده حضرت عبدالبهاء در این دور نورانی روحانیت بر مادیات غلبه نماید و ملکوت برعالم طبیعت حکومت کند.

از طرف دیگر رموز و اسرار الهیه و دقائق عرفانیه و لطائف حکم ربانیه را اگر در دل این ادعیه و مناجاتها جستجو نکنیم پس کجا به این تجسس پردازیم و

اگر ساحت دل را در لحظات مناجات حقیقی به پرتو آفتاب حقیقت روشن ننمائیم پس بچه شمعی این ویرانه دل را کرما و حرارت بخشیم و اگر در مواقع هجوم لشکرهای حزن و اندوه باین سردار اعظم پناه نبریم به چه قوه این جنود متهاجمه را پراکنده سازیم؟

باری در این مقام بهتر آنکه پناه به عالم مناجات بریم و در صفحات بعد دیده سر و سر در مفاهیم روحانیه و عرفانیه بعضی مناجاتهای مبارکه که بعنوان قطره ای از اقیانوس عظیم این آثار انتخاب شده تعمق نمائیم آنوقت ذکری و بیانی لازم نباشد.

### گلچینی از مناجاتهای عشقیه و عرفانیه جمالبارک

یا من بلاتک دواء المقربین و سیفک رجاء العاشقین و سهمک محبوب المشتاقین  
و قضاتک امل العارفين

استنک بمحبوبیتت نفسک و بانوار وجهک بان تنزل علینا عن شطر احد یتک  
مایقرینا الی نفسک ثم استقم یا الهی ارجلنا علی امرک و نور قلوبنا بانوار معرفتک  
و صدورنا بتجلیات اسمائک.  
(کتاب مناجاة چاپ برزیل ۱۹۸۲ صفحه ۱۴۸)

#### مناجاتی در طلب وصال و رضا

ای رب فاجعل رزقی جمالك و شرابی و صالک و أملی رضاتک و عملی ثنائک  
و انیسی ذکرك و معینی سلطانتک و مستقری مقرک و وطنی المقام جعلته مقدسا  
من حدودات المحتجبین و انک انت المقدر العزیز القدير (کتاب مناجاة چاپ برزیل  
۱۹۸۲ صفحه ۱۷۵).

قلبا طائرا فاخلق فیّ یا الهی سرا ساکنا جدد فیّ یا منائی و بروح القوه  
ثبتنی علی امرک یا محبوبی و بنور العظمه فاشهدنی علی صراطک یا رجائی و  
بسلطان الرفعته الی سماء قدسک عرجنی یا اولی و باریاح الصمدیه فابهجنی یا  
آخری و بتفحات الازلیه فاسترحنی یا مونسی و بغناء طلعتک القدیمه تجتئی عن دوتک  
یا سیدی و بظهور کینونتک الدائمه بشرتی یا ظاهر فوق ظاهری و الباطن دون  
باطنی.

(صفحه ۱۶۶ شماره ۱۵۵ کتاب مناجاة چاپ برزیل ۱۹۸۲).

و در لوح ابن ذئب مناجاتی در مراتب عشق و حب و شوق نازل که در  
وصف آن جمالقدم در همان لوح میفرمایند.  
و لسان سر درلیالی و ایام باین مناجات ناطق:

سبحانک یا الهی لوالبلا یا فی سبیل من این یظهن مقام عاشقیک و لولا  
الرزایافی حیک بای شینی ثبت شأن مشتاقیک و عزتک انیس مُحبیک دموع عیونهم  
و مونس مرید یک زفرات قلوبهم و غذاء قاصد یک قطعات اکباد هم و ما الناسم  
الردی فی سبیلک و ما اعز سهام الاعداء لا علاء کلمتک یا الهی و سیدی اشربنی فی  
امرک ما اردت و انزل علی فی حیک ما قدرته و عزتک لا ارید الا ماترید و لا احب الا



ما انت تحب توكلت عليك في كل الاحوال انك انت الغنى المتعال (لوح ابن نذب چاپ آلمان صفحه ۶۳)

و در مناجاتی به لسان فارسی نازل قوله الاصلی: "لسان جان محبوب امکان را ندا کن و بگو ای خدای من و مالک من و دوست من و محبوب جان و روان من چگونه از عهده شکر تو برآیم. در بحر غفلت و نادانی مستغرق بودم لسان فضلت مرا ندا نمود وید عنایتت مرا اخذ کرد ای پروردگار من غفلت من بمقامی رسید که مرا از فرات عذب یقین محروم ساخت و بماء صدید ظنون راه نمود.

از ذکرت غافل شدم و تو از من غافل نشدی و از حبت مضمود بودم و نارعنایت تو مشتعل بکدام وجه بتو توجه نمایم و بچه لسان ترا بخوانم خجلت و انفعال مرا فرو گرفته و از جمیع جهات مایوس ساخته و لکن ای پروردگار من و مقصود من و مولای من شنیده ام که فرموده ام روز روزیست که اگر نفسی یکبار از روی صدق "رب ارنی" گوید از ملکوت بیان "انظر ترانی" استماع نماید و از این کلمه مبارکه عالیه مقام امروز معلوم و واضح است و همچنین فرموده اگر نفسی از اول لا اول از جمیع اعمال حسنه محروم مانده باشد الیوم تدارک آن ممکن است چه که دریای غفران در امکان ظاهر و آسمان بخشش مرتفع سؤال میکنم از تو بحرمت این روز مبارک که مصدر و مطلع ایام است مرا برضای خود موفق بداری و بطراز قبول مزین نمائی ای رب انا المسکین و عندک بحر الغنا و انا الجاهل و عندک کنوز العلم و العرفان و انا البعید و انک انت المقتدر المتعالی الغریب.

(ادعیه حضرت محبوب نشر آلمان ۱۹۸۷ صفحه ۳۶۵)

حیف است در مقام مناجاتهای عرفانی جمالمبارک ذکر ای از بعضی فقرات عرفانیه نازله در صلوة کبیر بمیان نیاید چه که در حقیقت این صلوة مبارک اوج فنای اراده انسان را در ارادة الله و ذوق و شوق حبیب در وصول بمحبوب و فریاد شوق در طلب مشاهده روی معشوق است. قوله الجلیل

"یا له الاسماء و فاطر السماء اسالك بمطالع غیبك العلی الابهی بان تجعل صلوتی ناراً لتحرق حجباتی التي منعتنی عن مشاهدة جمالك و نوراً ید لنی الی بحر و صالك

و در مقامی دیگر نازل: "...ای رب تری الغریب سرع الی وطنه الاعلی ظل قباب عظمتك و جوار رحمتك و العاصی قصد بحر غفرتك و الذلیل بساط عزك و الفقیر افق غنائك. لك امر فی ماتشاء اشهداك المحمود فی فعلك و المطاع فی حکمك و المختار فی امرك.

و در مقامی دیگر نازل: "...ای رب تری المسکین یقرع باب فضلک و الفانی یرید کوثر البقاء من ایادی جودک لك الامر فی کل الاحوال یا مولی الاسماء ولی التسلیم و الرضا یا فاطر السماء.

**مطلب دوم: فهرست مختصر از مطالب نازله در آثار عرفانی**  
**جمالمبارک**

برای درک بهتر مسائلی که در آثار عرفانیه حضرت بهاء الله نازل گشته

ناگزیریم دیدی کلی از مطالب مشروحه در آن آثار بدست آوریم. اگر چه وسعت و عمق و کثرت این آثار انجام این مهم را بسیار مشکل میسازد ولی ناچار از اقدام بان هستیم. حال بدون آنکه ادعا شود که در این مقاله یا در هر رساله دیگری بتوان همه آثار عرفانیه جمالبارک و مطالب نازله در آنرا بررسی نمود سعی مینمائیم که بطور مختصر اشاره ای بفهرست مطالب وارده در آثار فوق الذکر بنمائیم.

هر وقت توانستیم آب دریاهاى عظیم را در کاسه ای بگنجانیم شاید آنوقت بشود مسائل نازله در آثار عرفانیه جمالبارک را فهرست وار بیان نمود. حال در آرزوی آنکه روزی یاران راستان و محققان جوان موفق بترتیب و تنظیم فهرست آثار عرفانی جمالقدم گردند سعی در بیان فهرستی مختصر از این آثار میشود.

### فهرست مختصر از مسائل و مطالب وادره در آثار عرفانی حضرت بهاءالله

- ۱ - در مقامات و مراتب معرفت حق باریتعالی.
- ۲ - در شرح و بیان این نکته که معرفت ذات حق ممکن نبوده و نیست.
- ۳ - در مراتب و مسائل مربوط به خلق عالم به کلمه علیا و مشیت اولیه.
- ۴ - در بیان مراتب کنز مخفی و خلقت خلق به حب الهی.
- ۵ - در مقصد از خلق که معرفت حق بوده است.
- ۶ - در بیان عالم امر و اینکه معرفت حق ممکن نه مگر بمعرفت مظاهر ظهور او.
- ۷ - در بیان مقام و مرتبه مظاهر الهیه و علم و قدرت و سلطنت آن مطالع قدسیه.
- ۸ - در مقام وحدت مظاهر مقدسه الهیه.
- ۹ - در بیان اینکه تربیت روحانی نوع انسان فقط به فیض صادر از مظاهر امر حضرت رحمان ممکن است.
- ۱۰ - در بیان استمرار فیض الهی و شمول دائمی جود و رحمت و فضل ربانی.
- ۱۱ - در شرح و بیان عوامل لاهوت - جبروت - ملکوت - و ملک و ناسوت.
- ۱۲ - در تشریح آیه مبارک "من عرف نفسه فقد عرف ربه"
- ۱۳ - در بیان هویت انسان و مقام معنوی او.
- ۱۴ - در بیان مراتب و مقامات حقیقت انسانیه و قوای مکنونه مخزونه در او.
- ۱۵ - در مقامات تربیت نوع انسان و وصول او بمقامات عز ایمان.
- ۱۶ - در بیان روح و مراتب بقاء آن و در شرح عالم رؤیا و حکمتهای بالغه آن.

- ۱۷ - در بیان حقیقت نفس و مراتب و مقامات آن و شرح نفس اماره و راضیه و مرضیه و مطمئنه و امثال آن.
- ۱۸ - در وصف قلب و صدور فوآد و اطوار و صفات و حالات آن.
- ۱۹ - در بیان مراتب تزکیه نفس و طهارت قلب برای وصول بشاطی بحر عرفان و فوزیه مدینه ایمان و ایقان.
- ۲۰ - در امکانات معرفت به قلب روحانی و درک حقائق اشیاء از طریق طهارت دل و انقطاع کامل و تقوای خالص.
- ۲۱ - در امکان مشاهده انوار و کشف اسرار بشرط انجذاب بنفحات قدس و تعمن در آیات الهیه.
- ۲۲ - در مراتب سیر و سلوک سالکین سبیل طریقت و مجاهدین راه حقیقت و اوصاف و شرائط سالک از طرفی بر وفق مشرب اهل تصوف و عرفان شرق چون رساله هفت وادی و از طرفی در آیات والواح سائره با معانی بدیعه و نصایح الهیه و مقیاسهای اخلاقیه و مراتب روحانیه که سالک سبیل برای وصول به سرمنزله مقصود بایستی مراعات نماید.
- ۲۳ - در بیان مراتب جذب و شوق و حب و فنا و فدا و شهادت کبری و در بیان مقامات تسلیم و رضا و خلوص نیت و صفا و در تلطیف ارواح و توجه نفوس بعوالم روحانیه و فضاهای خوش رحمانیه که اکثراً در مناجاتهای مبارکه والواح مخصوص اعیاد و ایام متبرکه والواح صیام نازل و وارد شده است.
- ۲۴ - در توصیف و تعریف عوالم اخری و کیفیات بقادر این عوالم و حالات ارواح و نفوس و روابط آن ارواح مجرده و سائر مسائل بسیار دقیقه لطیفه در این مراتب عالیه عرفانیه و روحانیه.
- ۲۵ - در مراتب و مقامات عهد ابدی و پیمان عشق و محبت خداوندی با نوع انسان و اشاره به عهد است و در داستان بیوفائی انسان باین عهد و پیمان و گذشته و آینده این داستان.